

■ **رضا گیلانی، کارمند خبرگزاری جمهوری اسلامی در بندرعباس**]

هفته بسیج فرصت مغتنمی بود، بین پر و پچه های مخلص بسیجی که در حماسه هشت سال دفاع مقدس با سن و سال کم خود، حدیث عشق را در مکتب جهاد سروده اند و حماسه جاودانگی آفرینند ، کشت و گذاری بزنیم تا روایت کنیم خاطرات شیرین دلاور مردی ها و رشادت های سربازان راست قامت اسلام در نبرد علیه دشمن متجاوز. دست نوشته ذیل از خاطرات بسیجی جانناز **رضا گیلانی** کارمند خیرگزاری جمهوری اسلامی در استان هرمزگان است که دیروز در سنگر مقاومت سلاح جنگی بدست داشت و امروز در عرصه فرهنگی مسلح به قلم ، در خدمت اهداف و آرمانهای انقلاب است .
اخلاصی ، سادگی، صفا و صمیمت در چهره این جوان متین موج می زند و اگر بی ادعایی و تواضع را نیز به خصلت های نیک وی اضافه کنیم ، بازهم حق مطلب در بیان ویژگی های وی ادا نشده است....
باهم بخوانیم.

کمی بیشتر از ۱۴سال از عمرم نگذشته بود که غروب یک روز مانده به پاییز صدایی که شباهت زیادی به آویر ماشین های آتش نشانی داشت از رادیو پخش شد . آشنوندگان عزیز توجه فرمایید: صدایی که هم اینک پخش می شود صدای آویر قرمز و اعلام خطر است و پشینیانی می کنند گفته است که می خواهد با فتح تهران در میدان آزادی سخنرانی کند . در حالیکه خشم سرتا پای وجودش را فراگرفته بود گفت: همانطور که جلوی ضد انقلابها را گرفتیم نخواهیم گذاشت که وجبی از خاک ایران را اشغال کنند . حرف های جالب و مردانه ای زد که تا قبل از آن تنها در چند فیلم دیده و شنیده بودم . از آن به بعد بیشتر روزها همراه او به سپاه می رفتم و آنجا بود که چیزهای بیشتری از جنگ و رزمندگان شنیدم . علاقه زیاد به اسلحه و تمرینات نظامی موجب شده بود تا به راحتی انواع اسلحه ام یک و ۲ و ۳ را باز و بست کنم .

آنجایی که در رشته ورزشی فوتبال نیز با عضویت در یکی از تیم های شهروان فعالیت زیادی داشتم موجب شده بود تا در تمرینات نظامی نیز همیای دیگران تاکتیک ها را به خوبی انجام بدهم . یکی از معلم هایمان که تازه از کردستان بازگشته بود، تعریف می کرد: تعداد زیادی از نیروهای سپاه به جنوب اعزام شده اند و از طرفی افرادی که خدمت سربازی آنان نیز در سال ۶۰ فیه اتمام رسیده میبود، آفرخوان شده اند . روزها با سرعت یکی بعد از دیگری می گذشت و هر روز بر نوق و علاقه من تعدادی دیگر از دوستانم برای رفتن به جبهه بیشتر می شد اما متاسفانه سن کم و قد کوتاه مانع از این کار می شد . با صدور فرمان امام مبنی بر تشکیل بسیج مستضعفان بیشتر وقت را در آنجا می گذراندم و با تجربه هایی که اندوخته بودم برادران را در زمینه آموزش نظامی به خصوص استفاده از اسلحه در مدارس همراهی



باحماسه آفرینان هشت سال دفاع مقدس

دستهایش را بوسه باران کردم!

(س) در منطقه شوش و کرخه در اول فروردین ماه سال

۶۱ انجام شد شوق حضور در جبهه چنان وجودم را فراگرفته بود که دیگر طاقت دوری از دوستان اعزامی را نداشتم . دو هفته ای نگذشته بود که به همراه تعدادی از جبهه رفته های ورزشکار خود را به اهواز و دبیرستان شهید رجایی آخر خیابان نادری که آن موقع محل استقرار نیروهای تازه وارد به اهواز بود رساندم. یکی از پاسداران که می شناختم و معلوم بود که از دیدن تعجب کرده زیرلب جواب سلام را داد و با تکان دادن سرش از کنارم گذشت . لحظه ای نگذشته بود که به همراه مستاجر خانه مان که لباس مقدس پاسداری بر تن داشت برگشتم.

از ترس اینکه نکته برگشت بخورم رنگ از رویم پرید و با صدایی لرزان در حالیکه قیافه ای مردانه به خود گرفته بودم سلام کردم. به عصبانیت گفت: ساکت و بردار برویم فلکه ساعت (محل پایانه مسافریی وقت در اهواز) بی اختیار شروع به گریه کردم به پیش افتادم و پوتین های خاک گرفته اش را بوسه باران کردم . خداوند عالم فرشته نجاتی را رساند دستم را گرفت و با چغیه ای که برگردن انداخته بود اشکهایم را پاک کرد و با ذکر حدیثی از ائمه اطهار رو به مستاجر مان (که بعدها به فرماندهی یکی از تیپ های لشکر ثارالله منصوب شد) گفت: هرچه باشد بنده خدا و محب اهل بیت است، قدش کوتاه و کمی لاغر اندام است که باشد پشت جبهه که می تواند در زمینه پرکردن خشاب، تخلیه مجروح ، امدادگری و نگهدانی از اردوگاه کمک کند. از ذوق و شوقی که داشتم دستهایش را بوسه باران

کردم . همسایه ما نیز قبول کرد و از من خواست که به خط مقدم نروم. با معرفی به تدارکات یکدست لباس بسیجی، چغیه، دو تخته پتی، قمقمه آب و دیگر وسایل مورد نیاز را تحویل و بدون معطلی سوار بر یک دستگاه لنروربه سمت غرب اهواز حرکت کردیم. مدتی را در تدارکات کارکردم . در مراسم صبحگاه به ویژه بخش رزمی آن شامل عبور از زیر سیم های خاردار، موانع چوبی و پله های با فاصله زیاد و پریدن از روی کانالی به طول بیش از دو متر موجب شد تا نظر بعضی از فرمانده گروهها و گروهانها را جلب کنم.

بعاز گذشت چند روزی با عضویت در یکی از گردانها در رزم های شبانه شرکت و در اوج آمادگی قرار گرفتن طوریکه عصرها برای تمرین تیراندازی به همراه تعدادی دیگر از بچه ها به میدان تیر می رفتیم . درمورد رزم شبانه بگویم که حداقل با سیست ۴۰ کیلومتر در شب پیاده روی می کردیم و از موانع متعددی همچون گودالهای پر از آب و گل نیز در آن هوای سرد زمستانی اهواز عبور می کردیم . از زرمزه های فرماندهان و تدارکات می شد فهمید که حمله ای در پیش است اما به محض ابلاغ خیر قطعیات یافتن حمله بزرگ به رزمندگان همه دستخوش تلاش و جنب و جوش از سر سبیدایی شده بودند.

طوریکه نوای خوش و دلکش سروده‌ها، دعاها، زمزمه ها، گریه ها و وداع ها به ترنم درآمد . تا یادم هست بگویم که خواندن نماز شب در بین بچه ها به حدی بود که شبهای اول فکر می کردم نماز شب را بایستی به جماعت خواند تا اینکه متوجه شدم، اینجا همه

فراخوان

باعنایت به عدم حد نصاب رسیدن اعضای انجمن صنفی کارفرمایی خدمات فنی و مهندسی صنایع ومعادن استان هرمزگان جهت برگزاری انتخابات مورخ ۸۸/۰۷/۲۵ در محل سه راه جهانبار – بلوار ساحلی – کوچه ساحل ۳ واحد ۵ حضور به هم رسانید.
هیئت موسس :
۱- سید محمد علی حسینی قتالی
۲-محسن دأدرس
۳-سیده زهرا خواستار

فراخوان

باعنایت به عدم حد نصاب رسیدن اعضاء انجمن صنفی کارفرمایی صنایع شیلاتی و صادرکنندگان آبریزان هرمزگان جهت برگزاری انتخابات مورخ ۸۸/۰۷/۲۵ بدینوسیله از کلیه اعضاء انجمن دعوت می گردد جهت برگزاری انتخابات مرحله دوم به منظور انتخاب اعضاء هیئت مدیره اصلی و علی البدل وبازرسان اصلی و علی البدل راس ساعت ۱۱روز چهارشنبه مورخ ۸۸/۰۹/۱۸در محل سه راه جهانبار – بلوار ساحلی – کوچه ساحل ۳ بلوک ۲ طبقه ۳ واحد ۵ حضور به هم رسانید.

هیئت موسس :
۱- فربرز رحیمی رضایی ۲- اسماعیل زاهدی ۳-سید رضا میر جاوید کار

فراخوان

باعنایت به عدم حد نصاب رسیدن اعضاء انجمن صنفی کارفرمایی تولید کنندگان و صادرکنندگان شن وماسه وآسفالت استان هرمزگان جهت برگزاری انتخابات مورخ ۸۸/۰۷/۲۵ بدینوسیله از کلیه اعضاء انجمن دعوت می گردد جهت برگزاری انتخابات مرحله دوم به منظور انتخاب اعضاء هیئت مدیره اصلی و علی البدل وبازرسان اصلی و علی البدل راس ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۸۸/۰۹/۱۸در محل سه راه جهانبار – بلوار ساحلی – کوچه ساحل ۳ بلوک ۲ طبقه ۳ واحد ۵ حضور به هم رسانید.

هیئت موسس :
۱- وحید جامعی ۲-وحید تهمتن ۳-کاظم چاوش

فراخوان

باعنایت به عدم حد نصاب رسیدن اعضاء انجمن صنفی کارفرمایی صادرکنندگان وتولید کنندگان مواد معدنی هرمزگان جهت برگزاری انتخابات مورخ ۸۸/۰۷/۲۵ بدینوسیله از کلیه اعضاء انجمن دعوت می گردد جهت برگزاری انتخابات مرحله دوم به منظور انتخاب اعضاء هیئت مدیره اصلی و علی البدل وبازرسان اصلی و علی البدل راس ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه مورخ ۸۸/۰۹/۱۹در محل سه راه جهانبار – بلوار ساحلی – کوچه ساحل ۳ بلوک ۲ طبقه ۳ واحد ۵ حضور به هم رسانید.

هیئت موسس :
۱- محمد رضا حاجیان نژاد ۲- احمد ملایی پلی ۳-محسن زینلی

فراخوان

باعنایت به عدم حد نصاب رسیدن اعضاء انجمن صنفی کارفرمایی صادر کنندگان میوه وتره بار هرمزگان جهت برگزاری انتخابات مورخ ۸۸/۰۷/۲۵ بدینوسیله از کلیه اعضاء انجمن دعوت می گردد جهت برگزاری انتخابات مرحله دوم به منظور انتخاب اعضاء هیئت مدیره اصلی و علی البدل وبازرسان اصلی و علی البدل راس ساعت ۱۰صبح روز پنج شنبه مورخ ۸۸/۰۹/۱۹در محل سه راه جهانبار – بلوار ساحلی – کوچه ساحل ۳ بلوک ۲ طبقه ۳ واحد ۵ حضور به هم رسانید.

هیئت موسس :
۱- ابراهیم عمرانی ۲- قاسم تیموری ۳- اسماعیل عمرانی

● **دبیر خانه همایش:**

دبیر خانه همایش:

فوقانی هایپر مارکت-**تلفکس:۰۷۶۱-۳۳۵۱۳۹۳**

صندوق پستی:۰۹۳۵-۷۹۱۴۵

www.fin-bnd.ir

● **کمیته علمی همایش :**

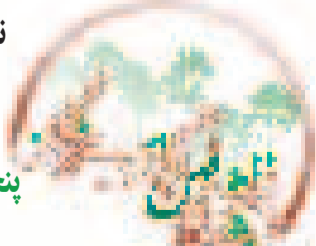
بندرعباس، ابتدای آزادگان،جنب مخابرات شهید قندی ،مرکز آموزش علمی

کاربردی بندرعباس شماره یک-

تلفکس:۰۷۶۱-۳۳۵۱۰۰۸

www.uast.bandar۱.ir

Email:info@bandar۱.ir



نقش مردم فین در پیشرفت استان هرمزگان و اولین جشنواره

هنری آداب سنتی مردم فین

پنجشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۸مصادف با میلاد با سعادت پیامبر اعظم (ص)

در شهر فین – استان هرمزگان برگزار می شود